

## تهدیدهای امنیتی و سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین

زهرا پیشگاهی فرد<sup>۱</sup>

صارم شیراوند<sup>۲</sup>

### چکیده

فدراسیون روسیه دوران پسا شوروی، با تهدیدهای امنیتی بسیاری مواجه بوده است. این مقاله با نظر داشت به رویکردهای فدراسیون روسیه در دوران ولادیمیر پوتین، در پی آن است که به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «چرا روسیه در دوران پوتین استراتژی عمل‌گرایی واقع‌گرایانه و کدهای رفتاری متأثر از این استراتژی را در عرصه سیاست خارجی در دستور کار خود قرار داده است؟». فرضیه مقاله آن است که «تهدیدهای امنیتی و در پی آن شکنندگی امنیت ملی فدراسیون روسیه در فضای پسا جنگ سرد، مهم‌ترین محرک عمل‌گرایی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی این کشور بوده است. به نظر می‌رسد تهدیدهای امنیتی در دو سطح داخلی و خارجی باعث تزلزل‌پذیری امنیت روسیه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و سیستمی می‌گردد و همین مسئله موجب شده است که روسیه پوتین با نگاهی موسع به موضوع امنیت، برای تقابل با این تهدیدها به‌نوعی عمل‌گرایی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی روی آورد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کدهای رفتاری ویژه‌ای در جهت تأمین منافع و امنیت روسیه و کاهش آثار احتمالی تهدیدهای گوناگون بر امنیت ملی به‌عنوان دستورالعمل عملیاتی و زیرساخت سیاست خارجی این کشور طراحی و اجرایی گردیده‌اند. در این مقاله روش پژوهش به‌صورت تبیین‌تکوینی و تحلیلی و تلاش برای ریشه‌یابی ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل مقاله است. قلمرو زمانی تحقیق عمدتاً سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۱۲ و قلمرو موضوعی نیز مقوله امنیت و سیاست خارجی را در برمی‌گیرد.

### واژگان کلیدی:

تهدیدهای امنیتی، سیاست خارجی، عمل‌گرایی، امنیتی کردن، مکتب کپنهاگ، امنیت موسع و مضیق.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

<sup>۱</sup> استاد تمام گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، ایران. zfard@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا دانشگاه تهران، ایران. sareh\_shiravand@yahoo.com

## مقدمه

در سیاست خارجی روسیه تاکنون موضوعات و ایده‌های مختلفی ظهور داشته‌اند. یک واقعیت ملموس که در سیاست خارجی روسیه وجود داشته این است که در دوران جدید به تدریج از علائق ایدئولوژیک کاسته شده و تمایل به عمل‌گرایی در دوران به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین<sup>۱</sup> شروع و به‌مثابه یک ضرورت راهبردی تثبیت شد.

در دوره جدید و روی کار آمدن پوتین، سیاست‌گذاری بر مبنای الزامات این کشور جهت بازیگری در نظام جدید بین‌الملل متحول شد. این الزامات که به نظر می‌رسد شالوده تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های فدراسیون روسیه به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و امنیتی باشد، توانسته است امکان ایفای نقش بهتر و منسجم‌تری به این کشور بدهد. روسیه جدید تلاش کرده است تا شیوه عمل خود را بر مبنای واقعیت‌های امروز نظام بین‌الملل بنا کند. در واقع نقش جهانی روسیه از منظر دولت‌مردان این کشور بر اساس منطق واقع‌گرایی و امری عمل‌گرایانه است و در جهت منافع ملی این کشور و حفظ پرستیژ آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ در عرصه بین‌المللی است. در این مقاله اسناد بالادستی فدراسیون روسیه مخصوصاً سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته و تهدیدات امنیتی این کشور در دو بعد داخلی و خارجی احصا گردیده و تأثیرات آن بر کدهای رفتاری فدراسیون روسیه ضمن مفهوم‌سازی و شاخص‌سازی، تبیین و تحلیل گردیده است. با بررسی این دو سند، به‌وضوح رویکرد امنیتی‌ساز فدراسیون روسیه به‌صورت افق‌گرد و گسترده‌تر به مسائل و حذف بسترهای مهم مشارکت با غرب و آمریکا در سند ۲۰۲۱، نشان از دگرگونی راهبرد امنیتی روسیه دارد (Russian Federation National Security Strategy, 2021). این در حالی است که در سند امنیتی ۲۰۱۵ بر روی مشارکت کامل با آمریکا بر اساس منافع مشترک تأکید شده بود.

پژوهش حاضر بر آن است که به این پرسش پاسخ دهد که «چرا روسیه در دوران پوتین استراتژی عمل‌گرایی واقع‌گرایانه و کدهای رفتاری متأثر از این استراتژی را در عرصه سیاست خارجی در دستور کار خود قرار داده است؟» پاسخ احتمالی به پرسش مطرح‌شده آن است که تهدیدهای امنیتی و در پی آن شکنندگی امنیت ملی فدراسیون روسیه در فضای پساجنگ سرد، مهم‌ترین محرک استراتژی عمل‌گرایی واقع‌گرایان در سیاست خارجی این کشور در دوره پوتین بوده است. به نظر می‌رسد تهدیدهای امنیتی در دو سطح داخلی و

<sup>۱</sup>. Vladimir Putin

خارجی باعث تزلزل‌پذیری امنیت روسیه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و سیستمی می‌گردد و همین مسئله موجب شده است که روسیه پوتین برای تقابل با این تهدیدها به عمل‌گرایی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی روی آورد. کدهای رفتاری از جمله تعامل گزینشی، تأکید بر نظام بین‌الملل چندقطبی و منطقه‌ای شدن قدرت، راهبرد بزرگ قدرت‌گرایی، اقتصادی کردن سیاست خارجی، نهادسازی و نهادگرایی منطقه‌ای، سیاست نگاه به شرق و همکاری با کشورهای مستقل از غرب و تقابل با تروریسم در جهت تأمین منافع و امنیت روسیه و نیز کاهش آثار احتمالی تهدیدهای گوناگون بر امنیت ملی آن به‌عنوان دستورالعمل عملیاتی و زیرساخت سیاست خارجی روسیه طراحی و اجرایی گردیده‌اند و همه این‌کدها متأثر از استراتژی عمل‌گرایی واقع‌گرایانه پوتین می‌باشد. در این مقاله روش پژوهش به‌صورت تبیینی، تکوینی و تحلیلی و تلاش برای ریشه‌یابی ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل مقاله است. قلمرو زمانی تحقیق عمدتاً سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۲، قلمرو مکانی فدراسیون روسیه و منطقه ژئوپلیتیکی پشاوروی و قلمرو موضوعی نیز مقوله امنیت و سیاست خارجی را دربرمی‌گیرد.

**مبانی نظری:** امنیت از منظر مکتب کپنهاک<sup>۱</sup> نقطه‌کانونی مطالعات امنیتی مکتب کپنهاگ، از نظر زمانی دوران پساجنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و از نظر محتوایی، تحولات گسترده‌ای است که مفهوم امنیت با آن روبرو شده است. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این مکتب می‌توان به مک سوئینی<sup>۲</sup>، الی ویور<sup>۳</sup> و باری بوزان<sup>۴</sup> اشاره نمود (Buzan, 2006). مکتب کپنهاگ ضمن به چالش کشیدن رویکرد سنتی درزمینه امنیت، ابعاد تازه‌ای را در مطالعات خود مطرح می‌نماید، از جمله: ۱- امنیت موضوعی بیناذهنی است، ۲- تهدیدمحوری در مفهوم امنیت، ۳- دولت‌محوری در مرجع امنیت، ۴- امنیت موسع در برابر مضیق (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲). بوزان با ارائه تفسیری موسع از امنیت در مقابل رویه‌های مضیق آن، مفهوم امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۴۸). بوزان هدف از مفهوم وسیع امنیت را تعمیم دستور کار امنیت، فراتر از بعد نظامی به سایر ابعاد و بخش‌ها می‌داند. در واقع، وی معتقد است که رویکرد موسع امنیت باید حاوی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز نظامی باشد (کریمی مله و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۲).

1. Copenhagen School

2. Mc Sweeney

3. Ole Wæver

4. Barry Buzan

یکی از مهم‌ترین مباحث مکتب کپنهاگ نظریه‌ی امنیتی ساختن است. معنا و مفهوم امنیتی ساختن عبارت است از اینکه موضوعات و پدیده‌ها از حوزه سیاست‌های عادی و عمومی خارج و وارد حوزه امنیتی گردند. ویور و بوزان براساس نظریه امنیتی ساختن، امنیت را یک نوع اقدام گفتاری قلمداد می‌نمایند. چراکه زبان یک ابزار کارکردی است و لذا با بیان واژه امنیت، شرایط و وضعیت سابق تغییر می‌کند. درواقع از نظر ویور آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز تلقی می‌گردد، همان چیزی است که توسط زبان ساخته می‌شود (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۴۹۳). مفهوم امنیتی ساختن، به‌نوعی کانون توجه را از موضوع نظامی‌گری به دستور کاری موسع مبدل نمود. به عبارتی، از طریق امنیتی ساختن نحوه به نتیجه رساندن یا نرساندن دستور کار سیاسی مشخص می‌گردد (نادسن، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، نظریه امنیتی ساختن را یک موضوع بین‌ذهنی<sup>۱</sup> و خودمصادقی<sup>۲</sup> می‌پندارند. موضوع بین‌الذهنی به این مهم اشاره می‌نماید که امنیت میان ارتباط بازیگر امنیتی‌ساز و مخاطب او ساخته می‌شود (Balzacq, 2005: 177-178). لذا، اگر بازیگر امنیتی‌ساز یک پدیده را امنیتی نماید و موردپذیرش مخاطب او قرار گیرد، آن پدیده امنیتی شده است. از دیگر سو، مفهوم خودمصادقی بر این نکته مهم دلالت دارد که با بیان واژه امنیت توسط بازیگر امنیتی‌ساز، موقعیت تغییر یافته و یک پدیده از حوزه سیاسی یا عمومی وارد حوزه امنیتی می‌گردد و یا دست‌کم زمینه تحت تأثیر کنش گفتاری امنیتی تغییر می‌نماید (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۳۰۲). بوزان به‌منظور تشریح تئوری امنیتی ساختن، امور جاری جامعه را به سه دسته تقسیم می‌نماید که در جدول ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

<sup>۱</sup>. Intersubjective

<sup>۲</sup>. Self Referential

جدول شماره ۱: امور سیاسی جامعه از نظر باری بوزان

مؤلفه	مفهوم
امور غیرسیاسی	مسائلی در این حوزه قرار دارند که دولت معمولاً وارد آن‌ها نمی‌شود و به‌گونه‌ای دیگر نیز مورد بحث و تصمیم‌گیری عمومی قرار نمی‌گیرد.
امور سیاسی	این مسائل و امور معمولاً بخشی از سیاست‌گذاری عمومی هستند و دولت در زمینه آن‌ها تصمیم‌گیری نموده و منابع مورد نیاز را اختصاص می‌دهد. در کل در خصوص این امور نظارت و تدبیر جمعی موضوعیت دارد.
امور امنیتی	امور و مسائلی که موجودیت، بقا و حیات کشور و جامعه با آن ارتباط دارد و یا این‌گونه بازنمایی می‌گردد. این‌گونه موضوعات مستلزم تمهیدات اضطراری و اتخاذ تدابیر و تصمیماتی وراء رویه‌های متداول و معمول است.

(نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

سه وضعیت مذکور در جدول بالا را می‌توان روی طیف زیر نشان داد: اوج حساسیت دولت، حساسیت دولت، ویژه، موردی، عادی (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

بر اساس مؤلفه‌های فوق‌الاشاره، در وهله اول، امر امنیتی همیشه امنیتی نیست و در عین حال امر غیرامنیتی هم به همین صورت است؛ یعنی امکان دارد هر موضوع عادی بلادرنگ به یک موضوع امنیتی مبدل گردد. لذا، عادی شدن یک موضوع امنیتی شده و یا امنیتی شدن یک امر یا مسئله عادی و یا عادی شدن یک موضوع امنیتی، بیشتر از هر چیز به اراده و تصمیم نیازمند است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

دوم، اینکه عموماً امر امنیتی را به منافع عمومی جامعه ارتباط می‌دهند یا حداقل این‌گونه وانمود می‌شود. در واقع رمز موفقیت یک سیاست امنیتی ساختن، در همین نکته نهفته است، یعنی اینکه بتواند تهدید علیه موجودیت را به همه بقبولاند و باورپذیر نماید و اگر حکومت نتواند عملاً چنین پذیرش و باوری را در جامعه محقق نماید، آن سیاست با شکست مواجه خواهد شد (Mitzen, 2008: 23).

سوم، امنیتی ساختن نیازمند اختصاص منابع ویژه و توجه است. در واقع مسائل و امور امنیتی متضمن اولویت مطلق است و پیشران آن، این ترس است که طرف مقابل دیگر به ما فرصت ادامه موجودیت به‌عنوان یک بازیگر را نخواهد داد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

چهارم، مقوله امنیتی دیدن یا امنیتی سازی هر مسئله، نیازمند ساختار سخنورانه ویژه‌ای است. این ساختار که در حقیقت خود نوعی عمل و اقدام محسوب می‌گردد، باید به گونه‌ای باشد که ترس و هراس بنیادی را به مخاطب القاء کند (Rothschild, 1995: 55).

پنجم، سیاست امنیتی نگرستن، الزاماً اظهاری و اعلانی نیست. گاهی در خصوص شدت و میزان فوری بودن یک تهدید با سخنان بسیج‌کننده (برای داخل) یا هراس‌انگیز (برای عامل خارجی) یک موضعی اتخاذ می‌گردد، اما شکل نهادینه‌شده و پیشرفته امنیتی سازی آن است که از یک موضوع یا پدیده به صورت دفاعی سخن گفته شود که مخاطب امنیتی سازی موضوع مورد نظر را متوجه خواهد شد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

مسئله دیگر چگونگی امنیتی ساختن موضوعات و پدیده‌ها است. از دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیتی سازی هر پدیده از سه بخش تشکیل می‌گردد: کنشگر امنیتی ساز<sup>۱</sup>، موضوع امنیتی<sup>۲</sup> و مخاطب<sup>۳</sup>. در این چارچوب، موفقیت به دو عامل زمانی- دستوری کنشگر امنیتی ساز و زمینه‌ای- اجتماعی و زمانی - مکانی آن موضوع بستگی دارد (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۳۰۵-۳۰۴). تیری بالزاک<sup>۴</sup> اعتقاد دارد که امنیتی سازی بسته به کارگزار و کنشگر سیاسی، مخاطب و زمینه است و تئوری امنیتی ساختن یعنی چگونگی بیان رویه‌های امنیتی تهدیدآمیز امور و موضوعات ویژه یک دولت (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۸). از طرفی دیگر چگونگی موفقیت در زمینه امنیتی سازی هر امر نیز به چند عامل بستگی دارد: نخست، تطبیق موضوع با تهدید وجودی و حیاتی؛ دوم، ضرورت اقدام اضطراری و فوری در خصوص تقابل و برخورد با آن موضوع و سوم، اثرگذاری بر روابط میان واحدها (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۰۹-۳۰۸).

### ۱. تهدیدات امنیتی روسیه

مفهوم و دکرترین امنیت ملی در روسیه یک سند زیربنایی و مادر است که اولاً برای فهم و ادراک نیت تصمیم‌گیران و مقامات کرملین دارای اهمیت است و دوم اینکه ترتیب اتخاذ اقدامات و کنش‌های لازم جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی سیستم امنیت ملی فدراسیون روسیه در راستای تأمین امنیت عنوان گردیده است. در این اسناد تغییرات اساسی در چشم‌انداز مسکو در حوزه امنیت ملی را می‌توان به خوبی تشخیص داد. چراکه این سند اساس و

1. Security Actor Maker

2. Security Phenomenon

3. Addressed

4. Terry Balzac

شالوده تعامل سازنده نهادهای حکومتی و دولتی، سازمان‌ها و اتحادیه‌های اجتماعی در راستای دفاع از اهداف و منافع ملی این کشور است. در این مقاله بر اساس سند دکترین امنیت ملی سال ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ تهدیدات امنیتی علیه امنیت ملی روسیه در دو محور تهدیدات داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه مورد بحث و مذاقه قرار می‌گیرند.

تهدیدهای داخلی امنیت روسیه، تروریسم<sup>۱</sup>، افراط‌گرایی و جنایات سازمان‌یافته یک تهدید محوری و غیرقابل اغماض علیه انسجام و یکپارچگی، تمامیت ارضی و ثبات قلمرو روسیه محسوب شده که قادر است پیشرفت و توسعه این کشور را هدف خود قرار دهد (زهرانی و شیرواند، ۱۳۹۶: ۱۲۳). افراط‌گرایی و خشونت ناشی از آن، در جمهوری‌های مسلمان حوزه قفقاز شمالی (از جمله چچن، داغستان، تاتارستان و اینگوش) که در حلقه دوم امنیتی فدراسیون روسیه قرار دارند، برای سیاست امنیتی این کشور بسیار مهم است. افراط‌گرایی اسلامی و ارتباطات ویژه آن با افغانستان، پاکستان، زمینه‌ساز شکل‌گیری و بروز تهدیدهایی جدی علیه امنیت ملی، نظم و قوانین داخلی فدراسیون روسیه شده است. در حقیقت، افراط‌گرایی در حوزه قفقاز شمالی و تهدیدهای ناشی از آن، از جمله الحاق به گروه‌های تروریستی همچون داعش، به سهولت قادر است منافع مسکو را با خطر مواجه نماید (Frolovskiy, 2019 & Perier, 2017). در عین حال تشدید تنش و جنگ در مناطق مناقشه در محدوده اتحاد جماهیر شوروی، در خاورمیانه، شمال آفریقا و افغانستان ادامه دارد. ضعیف شدن سیستم‌های امنیت جهانی و منطقه‌ای شرایط را برای انتشار تروریسم و افراط‌گرایی بین‌المللی مهیا می‌نماید (National Security Strategy of the Russia Federation, 2021).

مسئله قاچاق انسان<sup>۲</sup> و اسلحه تهدیدهای دیگری برای فدراسیون روسیه هستند. قاچاق انسان در روسیه در اشکال قاچاق برده، کارگران جنسی، کودکان کار و متکدیان صورت می‌گیرد. در عین حال، قاچاق انسان تهدیدات دیگر به‌ویژه در حوزه بهداشتی از جمله بیماری‌های واگیردار، افزایش میزان جرم و جنایت‌های گروه‌های سازمان‌یافته و گسترش تروریسم را در پی دارد (زهرانی و شیرواند، ۱۳۹۶: ۱۲۴). در واقع، روسیه به کشور فرستنده، گیرنده و انتقال‌دهنده این پدیده، تبدیل شده و همچنان یکی از چالش‌های پیش‌روی فدراسیون روسیه محسوب می‌گردد (Mukomel, 2013:1). از طرفی، قاچاق اسلحه<sup>۳</sup> در قلمرو این کشور، از دیگر اقدامات و فعالیت‌هایی است که توسط گروه‌های سازمان‌یافته به

1. Terrorism

2. Human Trafficking

3. Arms Trafficking

مقصد جمهوری‌های قفقاز شمالی انجام می‌شود و روسیه را مبدل به مبدأ، مقصد و محل عبور سلاح‌های قاچاق کرده است (Bennetts, 2014).

تهدید عمده دیگر مسئله مهاجرت<sup>۱</sup> غیرقانونی به روسیه است که به افزایش جرم و جنایت و گسترش بازار سیاه کار کمک می‌کند. بر اساس گزارش سرویس مهاجرت فدرال، در حال حاضر بین ۵ تا ۱۵ میلیون مهاجر غیرقانونی در فدراسیون روسیه وجود دارد که تهدیدی برای بازارهای کار ملی هستند که به توسعه اقتصاد سایه کمک می‌کنند. سود جهانی سالانه بخش جنایی در این زمینه، بین ۵ تا ۹.۵ میلیارد دلار است. از طرفی، پیامدهای مهاجرت غیرقانونی زمانی باعث ایجاد مشکلات جدی‌تر می‌شود که مهاجران به عنوان ستون پنجم برای شروع روند بی‌ثبات‌سازی فدراسیون روسیه و فروپاشی آن استفاده می‌شوند (Metelev, 2016: 5-6).

نکته دیگر اینکه، درآمدی که کارگران مهاجر خارجی دریافت می‌کنند، عمدتاً از روسیه خارج می‌شود. این وضعیت بر امنیت اقتصادی تأثیر منفی دارد و از طرفی به‌طور کلی بر امنیت ملی هم اثرگذار است. در واقع، فرآیندهای مهاجرت غیرقانونی در روسیه در درجه اول به دلیل تقسیم‌بندی بازار کار، توسعه بخش غیررسمی اقتصاد، افزایش بار زیرساخت‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر روابط بین‌المللی، استاندارد پایین زندگی مهاجران و ادغام ضعیف آن‌ها در جامعه میزبان، اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند (Vinogradova & Others, 2015:166).

تهدید دیگر موقعیت و شرایط اقتصادی شکننده و عقب‌ماندگی و عدم ارتقاء متناسب فدراسیون روسیه در حوزه صنعت و فناوری‌های نوین<sup>۲</sup> است. ساختار اقتصادی این کشور میراث سیاست «ساختمان سوسیالیسم»<sup>۳</sup> در یک کشور<sup>۴</sup> ژوزف استالین<sup>۴</sup> و نیکلای بوخارین<sup>۵</sup> است. از جمله در این خصوص می‌توان به انحصار دولتی، فساد و مدیریت ناکارآمد اشاره نمود که پیامد تسلیم‌ناپذیری قدرت و تمرکز بیش‌ازحد آن در دست یک مجری واحد است (Morozov, 2015: 67) در دوران پساشوروی پیامدهای بحران اقتصادی آشکار و تشدید گردید. سیاست «شوک‌درمانی»<sup>۶</sup> بوریس یلتسین<sup>۷</sup>، نه‌تنها شرایط اقتصادی روسیه جدید رو بهتر نکرد، بلکه وضعیت بدتر شد. افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۹۹ بستر ساز بهبود

1. Emigration

2. New Technologies

3. социализм в отдельно взятой стране

4. Stalin

5. Nikolai Bukharin

6. Shock Therapy

7. Yeltsin



شاخص‌ها و فضای اقتصادی این کشور شد. علی‌رغم افزایش قیمت انرژی در بازارهای جهانی و بین‌المللی و بهبود شرایط اقتصادی فدراسیون روسیه در ابتدای قرن بیست و یکم، نظام اقتصادی روسیه هنوز از ضعف در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف در رنج است (کرمی و جهانبخش، ۱۳۹۴: ۴۲). از طرفی، جنگ اوکراین و تحریم‌ها، حتی بدون تحریم احتمالی نفت و گاز، احتمالاً یکی از عمیق‌ترین بحران‌های اقتصادی روسیه را در طول سه دهه گذشته، مخصوصاً در حوزه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی، افزایش فقر و تورم ایجاد می‌کند که قابل‌مقایسه با بحران تحول (۱۹۹۲) که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روی داد، نیست (Pestova & Others, 2022: 76). روسیه در بخش فناوری نیز به اتحادیه اروپا وابسته است. از طرفی اقتصاد دانش‌محور اروپا، یکی از نیازمندی‌های مهم روسیه برای موفقیت در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه اقتصادی و تحقق اهداف مطلوب نظر است (زهرانی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۲۴). باید توجه داشت که روسیه از نظر فناوری و مواد راهبردی به هسته سرمایه‌داری جهانی وابسته است (Morozov, 2015: 67) و بدیهی است که تحریم‌های اقتصادی ناشی از جنگ اوکراین، روسیه را در این زمینه با چالش جدی مواجه خواهد نمود.

مسکو امنیت اطلاعات را یک اولویت مهم و منبع تهدید می‌داند. در استراتژی ۲۰۲۱، تأکید بیشتری بر امنیت اطلاعات و تضمین حاکمیت در فضای اطلاعاتی به‌عنوان یک موضوع مهم برجسته شد. فدراسیون روسیه نگران است که اینترنت رویدادهای اجتماعی را فعال کند و از تاریخ به‌عنوان یک ابزار سیاسی استفاده شود. لذا، روسیه محیط اطلاعاتی را میدان نبرد امروز و آینده می‌داند. در این زمینه، مطالعات فنی و حقوقی برای اتصال به اینترنت ملی که بتواند مستقل از سیستم جهانی اینترنت کار کند، ادامه دارد (National Security Strategy of the Russian Federation, 2021).

موضوع گسترش خطرات زیست‌محیطی و بوم‌شناختی در قلمرو این کشور، یکی دیگر از تهدیدات داخلی فدراسیون روسیه است. این کشور به‌عنوان پهناورترین قلمرو خشکی در جهان، با تهدیدات و مشکلات زیست‌محیطی گوناگونی روبرو است. برخی از محوری‌ترین تهدیدات زیست‌محیطی این کشور عبارت هستند از: اثرات تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، کیفیت هوا، شرایط و وضعیت جنگل‌ها، موضوع تشعشعات هسته‌ای (National Security Strategy of the Russia Federation, 2015). مخاطرات زیست‌محیطی دائماً تأثیر منفی بیشتری بر روی شرایط انجام فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت محیط و جامعه روسیه می‌گذارد. تعداد پروسه‌ها و پدیده‌های خطرناک طبیعی در حال افزایش است که به منشأ

پیدایش وضعیت‌های اضطراری طبیعی و فنی مبدل می‌شوند (National Security Strategy of the Russia Federation, 2021).

تهدیدات بین‌المللی امنیت روسیه: در سطح بین‌المللی یکی از مهم‌ترین تهدیدهای ژئوپلیتیک متوجه امنیت روسیه، مسئله رهبری جهانی و یک‌جانبه‌گرایی<sup>۱</sup> ایالات متحده آمریکا است. جو بایدن معتقد است که آمریکا به‌عنوان یک ملت باید در رأس رهبری جهان باشد، لذا برای سازمان‌دهی سیاسی فضا در سطح جهان، آمریکا لازم است که در رأس هرم قدرت به همراه دوستان و متحدان خودش اقدامات لازم را برای مقابله با تهدیدات جهانی انجام دهد ((Biden, 2020). از طرفی، برای ایالات متحده آمریکا اقدامات روسیه، اقداماتی نامتقارن و ضد منافع خود و متحدانش در ناتو و نقض هنجارهای بین‌المللی تلقی شده و به همین دلیل «خواستار تحمیل هزینه‌های واقعی» در راستای مقابله با این سیاست‌های فدراسیون روسیه است (Biden, 2014; Biden, 2020).

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، چهار عنصر کلیدی در خصوص نقش سنتی ایالات متحده در عرصه جهانی قابل توجه است: الف) رهبری جهانی؛ ب) دفاع و ترویج نظم بین‌المللی لیبرال؛ ج) دفاع و ترویج آزادی، دموکراسی و حقوق بشر؛ و د) جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای در اوراسیا. در خصوص چهارمین عنصر، باید توجه نمود که این هدف منعکس‌کننده دیدگاه ایالات متحده در مورد ژئوپلیتیک و استراتژی کلان است که شامل دو موضوع کلیدی است: ۱. با توجه به جمعیت، منابع، ظرفیت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در اوراسیا، ظهور یک هژمون منطقه‌ای در این حوزه، منجر به تمرکز قدرتی خواهد شد که قادر است منافع حیاتی ایالات متحده را با تهدید مواجه نماید؛ ۲. برای جلوگیری از ظهور یک قدرت هژمون در اوراسیا، نیاز به وجود یک قدرت بزرگ خارج از منطقه اوراسیا است که توانایی انجام چنین امری را داشته باشد، چراکه اولاً، این مسئله به‌صورت خودتنظیم و با کنشگری کشورهای اوراسیایی محقق نخواهد شد؛ دوماً، کشورهای اوراسیایی اصولاً از چنین توانایی برای جلوگیری از ظهور قدرت هژمون در این منطقه برخوردار نیستند. بدیهی است با چنین رویکردی، سیاست‌های آمریکا در اوراسیا ماهیتی ضد روس داشته و برای جلوگیری از احیای قدرت گذشته روسیه تنظیم می‌گردد تا از تقسیم قدرت در اوراسیا، قرار گرفتن مناطق محوری و استراتژیک اوراسیا تحت سلطه یک قدرت واحد و ظهور یک جهان چندجانبه‌گرا با حوزه‌های نفوذ مجزا، ممانعت به عمل آید (O'Rourke, 2021: 4).

<sup>۱</sup>. Unilateralism

کدهای رفتاری آمریکا، برای حفظ برتری و قدرت بلامنازع آن به گونه‌ای تنظیم شده‌اند تا از ظهور هر قدرتی که توانایی به چالش کشاندن سلطه‌اش را داشته باشد، جلوگیری نماید. تصور ایالات متحده بر این است که توازن جهانی به دلیل ظهور چین، ائتلاف روسیه - چین و تلاش آن‌ها برای ایجاد یک حوزه نفوذ جایگزین در قاره آسیا و حوزه اوراسیا برهم خورده است. اکنون در شرایط فعلی نیز آمریکا از مناقشه و جنگ اوکراین به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت خود از طریق ناتوی تقویت شده استفاده می‌کند و از سوی دیگر کنترل یک جانبه خود را بر نهادهای چندجانبه جهانی مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد (Sahgal, 2023).

از سوی دیگر، محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای روسیه در ارتباط با آمریکا و متحدانش، فقط در محدوده مرزهای غربی از نروژ و فنلاند و دریای بالتیک تا دریای سیاه و حتی گرجستان در قفقاز جنوبی و یا مرز شرقی با ژاپن و از طریق تنگه برینگ با آمریکا منحصر نمانده و بلکه با مطرح شدن مسئله شمالگان در دهه گذشته به عنوان یک موضوع امنیتی بزرگ، روسیه را در حصار سه سویه قرار داده و از ژاپن تا قطب، اتحادیه اروپا و دریای سیاه، سرزمین روسیه را در بر گرفته و تنها به مدد بازدارندگی هسته‌ای است که از تحقق عینی تهدیدات جلوگیری شده است. از سال ۲۰۱۲ و با تشدید فشارهای امنیتی غرب، واکنش‌ها در روسیه شدت یافته و به بحران اوکراین و تصرف کریمه و مداخله و تهاجم به قلمرو حاکمیتی دولت اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون منجر شده است (کرمی، ۱۴۰۱: ۶۳).

دومین تهدید امنیتی روسیه در سطح بین‌المللی نقض توازن راهبردی و سیستم کنترل تسلیحات است که در زمینه پیمان‌ها، دفاع موشکی، شیوه برخورد با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای<sup>۱</sup>، پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد<sup>۲</sup>، همچنان میان ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه تنش وجود دارد (Smith and Wolters, 2017:11). در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۱ فدراسیون روسیه، نیز اشاره شده است که روسیه باید ابتدا از طریق ثبات راهبردی که بیشتر مرتبط با معاهدات بین‌المللی تسلیحاتی راهبردی است که آمریکا به تدریج از آن خارج شده، اقدام کند و با حفظ این معاهدات اجازه ندهد دستخوش بی‌ثباتی شوند، چراکه آن‌ها ضامن ثبات راهبردی بین‌المللی هستند (National Security Strategy of the Russian Federation, 2021).

این در حالی است که این دو کشور در سال ۲۰۱۹ ضمن خروج از پیمان منع گسترش موشک‌های میان برد، حضور در این معاهده را عامل تضعیف موقعیت خود نسبت به سایر

<sup>۱</sup>. Nuclear NON- Proliferation Treaty

<sup>۲</sup>. Intermediate- Range Nuclear Forces Treaty

قدرت‌های هسته‌ای نظیر چین قلمداد می‌نمایند. از طرفی، رهبران ناتو و ایالات متحده، مدعی نقض مکرر این پیمان از سوی فدراسیون روسیه از زمان عقد معاهده مذکور تا زمان خروج فدراسیون روسیه از آن هستند که این اقدامات به‌عنوان بخشی از الگوی رفتاری کلی روسیه با هدف تضعیف ساختار یورو-آتلانتیک، زمینه‌ساز تضعیف بنیان‌های کنترل تسلیحات و امنیت دولت‌های عضو ناتو می‌گردد (Woolf, 2019: 1; European Parliament, 2019:4). در دوران پس از فروپاشی نظام دوقطبی، یکی از مهم‌ترین مناقشه‌های استراتژیک میان آمریکا و روسیه، موضوع استقرار بخش‌هایی سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا است. روس‌ها معتقدند که ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا از این طریق، «برتری راهبردی» خود را با نتیجه بازی با حاصل جمع جبری صفر و کسب منافع مطلق عملیاتی نماید که برون‌داد تحقق چنین هدفی، انقباض قلمرو نفوذ و تضعیف عمق راهبردی فدراسیون روسیه خواهد بود (کولایی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

سومین تهدید راهبرد بازدارندگی، توسعه ناتو و سیاست درهای باز<sup>۱</sup> آن به سمت مرزهای روسیه و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای است؛ زیرا از نگاه فدراسیون روسیه، شرط اصلی برای مبدل شدن به ابرقدرت و هژمون جهانی، هژمونی منطقه‌ای در حوزه اوراسیا است. لذا، گسترش ناتو به سمت مرزهای روسیه یک تهدید امنیتی اساسی برای منافع ملی روسیه و تداوم ذهنیت دوران جنگ سرد قلمداد می‌گردد (Hammerstein, 2017; Stent, 2018:2; Gotz and Merlen, 2018:6).

توسعه قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان در روسیه یکی دیگر از تهدیدات امنیتی علیه امنیت این کشور است که در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۱ هم مورد اشاره واقع شده است. در این خصوص، باید توجه داشت که افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان و فدراسیون روسیه بزرگ‌ترین بازار مصرف هروئین افغانستان است. لذا، تهدید قاچاق مواد مخدر افغانستان از مسیر شمالی، از طریق تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان، یکی از بدترین مشکلات برای امنیت ملی روسیه است (RIAC, 2020).

بنابراین، قاچاق «مخدر افغان» به روسیه که عموماً با فعال شدن گروه‌های تبهکار سازمان‌دهی شده همراه است، در عین برهم زدن وضعیت امنیت انسانی، ابعاد دیگر امنیت روسیه را با تهدیدهای جدی روبرو نموده است. از طرفی، گروه‌های تبهکار سازمان‌یافته که در زمینه قاچاق مواد مخدر فعال هستند، اکثراً از اتباع آذری یا تاجیک هستند که با بهره‌گیری از ضعف نیروی‌های مرزبان، تهمیدات مرزی همکاری‌جویانه روسیه در قالب اتحادیه

<sup>۱</sup>. Open Doors Policy

گمرکی اوراسیا و همچنین فساد موجود در بین نیروهای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مواد را معمولاً به صورت هروئین به روسیه قاچاق و در آنجا به وسیله شبکه‌های توزیع وسیع، در معرض فروش قرار می‌دهند (سجادپور و جهانبخش، ۱۳۹۳: ۸۱).

تجارت مواد مخدر افغانستان که بازار روسیه را تأمین می‌کند؛ به درگیری، فساد و بی‌ثباتی در منطقه دامن زده است، از سازمان‌های تروریستی حمایت مالی کرده و منجر به اعتیاد ویرانگر و همه‌گیری HIV در روسیه شده است. در روسیه حدود چهار تا شش میلیون معتاد به مواد مخدر وجود دارد و نرخ مرگ‌ومیر ناشی از مواد مخدر ۱۰.۲ در هر صد هزار نفر است. این به مراتب از همسایگان اروپایی این کشور بیشتر است (RIAC, 2020).

تهدید دیگر به تکوین جنگ‌های محلی و منازعات مسلحانه و رشد بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی در حلقه‌های امنیتی و نزدیکی مرزهای فدراسیون روسیه ارتباط دارد. واقعی‌ترین تهدید برای این کشور در حوزه دفاعی-امنیتی، وجود ناآرامی‌ها در مرزهای حوزه قفقاز شمالی این کشور و مبادرت به انجام اقدامات و فعالیت‌های غیرقانونی و غیرمجاز قاچاق سلاح، وجود گروه‌های افراطی، خاص‌گرا و جدایی‌طلب و ضدمنافع ملی فدراسیون روسیه در این منطقه، همچنین وجود بحران، تنش، نزاع و جنگ در مرز مشترک روسیه با برخی جمهوری‌های پسا شوروی همچون اوکراین، وجود بحران قره‌باغ در حوزه قفقاز جنوبی و... است که از نگاه این کشور به عنوان بسترها و عوامل تهدیدزا علیه امنیت ملی آن محسوب گردیده‌اند (کریمی و جهانبخش، ۱۳۹۳: ۴۶).

به عبارت دیگر، رشد بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی و تضاد منافع، زمینه‌ساز تشدید اختلاف‌نظرها میان کشورها و افزایش تهدید استفاده از نیروی نظامی است. تزلزل در موازین و اصول حقوق بین‌المللی، ضعیف شدن و از بین رفتن نهادهای حقوقی بین‌المللی موجود و گسیخته شدن ادامه‌دار سیستم قراردادهای و توافقنامه‌ها در حوزه کنترل بر تسلیحات منجر به افزایش تنش و جنگ، وخامت اوضاع نظامی و سیاسی در نزدیکی مرزهای روسیه گردیده است. روس‌ها اقدامات کشورهای غربی را در راستای تحریک پروسه‌های واگرایانه در حوزه ژئوپلیتیک اتحاد جماهیر شوروی قلمداد می‌نمایند که هدف آن از بین بردن ارتباطات روسیه با متحدان سنتی خود در این حوزه است (National Security Strategy of the Russia Federation, 2021).

آخرین تهدید، تهدید فرهنگی علیه ارزش‌های روسی است، چراکه ارزش‌های معنوی سنتی، فرهنگ و تاریخ روسیه توسط ایالات متحده و متحدانش و همچنین توسط

شرکت‌های فراملیتی، سازمان‌های غیردولتی خارجی و سازمان‌های تروریستی مورد حمله قرار می‌گیرد. «غربی شدن» فرهنگ روسیه با عملیات روانی در زمینه دانش منجر به از بین رفتن حاکمیت فرهنگی می‌شود ( National Security Strategy of the Russia Federation, 2021).

## ۲. کدهای رفتاری روسیه در دوره پوتین

در دهه نود میلادی سیاست خارجی فدراسیون روسیه گرفتار یک آشفتگی شدید گردیده بود. در واقع، چنین آشفتگی ناشی از ضعف ادراک و فهم از تحولات ساختاری و هنجاری نظام بین‌الملل، انفعال در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ناتوانی در سناریوپردازی بود که در نتیجه آن این کشور ضمن اینکه به بازیگری غیرقابل پیش‌بینی با اهداف نامشخص مبدل شده بود، در زمینه استراتژیک دچار ضعف شده و راهبردهای آن مکرراً دچار تغییر و تحول شده و از ثبات لازم برخوردار نبود. در حقیقت متأثر از بحران هویت و ارزش‌ها در جامعه روسی، بسیاری از استراتژی‌ها با واقعیت‌ها و شرایط موجود کشور و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری مطابقت نداشت. بر این اساس، چنین وضعیتی مانع اتخاذ کدهای ژئوپلیتیک متناسب با مقدرات و محذورات، فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت خود در سطح منطقه‌ای و جهانی توسط روسیه می‌گردید (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۲۱). از سوی دیگر، در این دوره، نظام ارزشی و هنجاری نخبگان روس با شرایط متحول شده محیط، ساختار و نظام بین‌الملل پساشوروی تناسب لازم را نداشته و در مورد عوامل و مؤلفه‌های محوری جهت برساختن هویت در حال تکوین و تکامل روسیه جدید، هیچ‌گونه اجماع اصولی و بنیادی وجود نداشت. تحت تأثیر این‌گونه بحران‌ها و چالش‌های هویتی، خلأ اتخاذ راهبردهای عملیاتی و کارآمد برای تحقق منافع ملی کاملاً محسوس بود (Kortunov, 2005: 30).

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین ضمن تحول در سیاست خارجی، با رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه تلاش گردید که به مناسب‌ترین و بهترین نحو امنیت فدراسیون روسیه تضمین شود (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۱۹). فدراسیون روسیه برای تنظیم کدهای ژئوپلیتیکی خود در راستای تحقق منافع و مقابله با تهدیدات امنیتی خود، از منابعی همچون سنت‌ها و ارزش‌های روسی، اسلاوگرایی و ژئوپلیتیک ارتدوکس و اوراسیاگرایی بهره‌گرفته است تا بتواند افق‌های جدیدی فراسوی سیاست خارجی خود را ترسیم کند (شیخ‌الاسلامی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

در ادامه کدهای رفتاری سیاست خارجی روسیه که عمدتاً با روی کار آمدن پوتین، در راستای رفع یا کاهش تهدیدات امنیتی و نیز احیاء موقعیت روسیه اتخاذ شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**گزینش‌گری عمل‌گرایانه و ائتلاف‌سازی گسترده:** در دوران ولادیمیر پوتین، تحقق اهداف و منافع ملی با اتکا به شیوه‌های متنوع و گوناگون، رویکرد محوری تصمیم‌گیران و نخبگان روس در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی است. لذا برای تحقق چنین رویکردی دو گام مهم در نظر گرفته می‌شود:

نخست؛ استفاده از مؤثرترین ابزارها و زمینه‌های مورد نیاز در راستای تحقق و عملیاتی شدن اهداف سیاست خارجی و؛ دوم، تعامل و ارتباط با بازیگران طبق رویکرد «گزینش‌گری عمل‌گرایانه»<sup>۱</sup>. در واقع گزینش‌گری عمل‌گرایانه بدین معناست است که در زمینه مسائل و موضوعات خاص با بازیگران و کشورهایی که بیشترین تأثیر و اثربخشی را در تحقق آن‌ها در راستای اهداف و منافع ملی دارند، تعامل و ارتباط لازم برقرار گردد. بر این اساس، برای نیل به چنین هدفی در عرصه سیاست خارجی روسیه، رفتار استراتژیک «ائتلاف‌سازی گسترده آ» با ابتنا بر پایه‌های متنوع و ابعاد گوناگون در دستور کار برنامه‌ریزی راهبردی این بازیگر در عرصه محیط و نظام بین‌الملل قرار گرفته است (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۲۵-۲۲۴).

روس‌ها از این طریق در پی کاهش هزینه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی احیا و ارتقا قدرت و جایگاه خود هستند. در حقیقت، بنیان‌های این کد رفتاری ابتنا بر سیاست «ابر قدرتی سهل‌الوصول»<sup>۲</sup>، تعامل و همکاری با بازیگران همفکر و همراه روسیه و نیز ایجاد ائتلاف‌های مطمئن، قابل‌اعتماد و موقت و در برخی موارد ائتلاف‌های مستحکم‌تر و پایدار به‌منظور تقسیم و توزیع هزینه‌های پیشینه‌سازی نفوذ، قدرت و احیای موقعیت جهانی و قدرت بزرگی این کشور است (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۲۶-۲۲۵).

از طرفی، ائتلاف‌سازی راهبرد مزبور توجه خود را نیز متوجه مهار و توازن در برابر تهدیدها علیه منافع این کشور نموده و با اتکای به آن هزینه‌ها و وظایف موازنه‌سازی را میان خود و دیگران تقسیم نموده است (رسولی، ثانی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۳). لذا، فدراسیون روسیه برای تقابل و جلوگیری از تثبیت یک‌جانبه‌گرایی فزاینده ایالات‌متحده و مقابله با سیاست‌های بحران‌زای این کشور در مناطق گوناگون بر روی ایجاد ائتلاف و

1. Pragmatic Selectivism

2. Extensive Alliance – Building

3. Superpower on the Cheap

همکاری دسته‌جمعی مخصوصاً با دولت‌های همان مناطق که مستقل از غرب هستند، متمرکز گردیده است (Hauer, 2018; Ruff, 2018)..

درواقع، فدراسیون روسیه بر اساس سند راهبردی امنیت ملی ۲۰۲۱، سیاست خارجی را دنبال می‌کند که سازگار، مستقل، باز، قابل پیش‌بینی و عمل‌گرا است، از منافع ملی خود محافظت نموده و به امنیت بین‌المللی کمک می‌کند. در این زمینه، بر انجام روابط بین‌الملل مبتنی بر حقوق بین‌الملل و نقش هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل متحد در حل مشکلات منطقه‌ای و جهانی تأکید می‌کند. البته در عین حال روس‌ها، انجام اقدامات متقارن و نامتقارن برای جلوگیری از اعمال غیردوستانه و تکرار آن‌ها در آینده را حق مشروع می‌دانند (Sapmaz, 2022).

تأکید بر نظام بین‌الملل چندقطبی و منطقه‌ای شدن قدرت: از اواسط دهه نود میلادی فدراسیون روسیه ضمن فاصله‌گیری از ایالات متحده آمریکا، تلاش خود را بر بهبود و ارتقاء سطح روابط با قدرت‌های بزرگی که قادر بودند به صورت بالقوه بخشی از ائتلاف هم‌وزن را در برابر آمریکا ایجاد نمایند، متمرکز نمود (مصلى نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۹). نخبگان روس معتقد هستند که هدف ایده چندقطبی‌گرایی افزایش و ارتقا سطح همکاری‌های سازنده و مثبت میان بازیگران مهم جهانی و فدراسیون روسیه است (Mersheimer, 2007: 84-85). در اظهارنظرهای مقامات و کارشناسان روس تأکید بر ایده چندقطبی، بیشتر مراکز قدرت در دنیای مدرن را مدنظر دارد و چگونگی ارتباط میان این مراکز مطمح نظر نیست (Kortunov, 26 March 2019).

در ارتباط با رویکرد روسیه در زمینه نظم بین‌المللی و چگونگی فهم و تصویرسازی آن از سیستم جهانی و روابط بین کشورها و قدرت‌های بزرگ ضرورت دارد به چگونگی بازبینی این کشور در سیاست خارجی‌اش توجه کرد. چهار مسئله مهم بنیان و اساس فهم فدراسیون روسیه از سیستم و نظم بین‌المللی است که عبارت هستند از: نخست؛ ماهیت، ساختار و نظم جهانی در حال گذار و عبور از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی است. دوم، نظام چندقطبی نه تنها پایان محتوم نظام جهانی نیست، بلکه مقاومت نیروهای حامی حفظ و استمرار نظم و ساختار تک‌قطبی را در مقابل خود خواهد داشت، در این خصوص می‌توان به رفتارهای قدرت‌های غربی برای استمرار هژمونی جهانی گفتمان لیبرالیسم و ارزش‌ها و انگاره‌های آن اشاره نمود که نتیجه آن، بی‌ثباتی و بروز تنش بیشتر، افزایش عدم قطعیت‌ها و معمای امنیت و رشد آنا‌رشی در سطح جهانی و منطقه‌ای است. سوم؛ روس‌ها، کشور خود را



به‌عنوان یک قطب قدرتمند، محور مدیریت و اثرگذاری در جهان مدرن قلمداد نموده و این موضوع را بخشی از ساختار ژنتیک کشور خود دانسته و درعین‌حال کانون جغرافیایی این بینش و پندار ژئوپلیتیکی نیز منطقه اوراسیای مرکزی است. چهارم؛ فدراسیون روسیه نظر به ماهیت نظام چندقطبی موردنظر خود، علاقه‌مند به منطقه‌ای شدن جهان با یک منطق اقتصادی و تمدنی دولت‌محور و از بالا به پایین است (Jonavicius et al, 2019:7-8).

استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۱، در بسیاری از موارد منعکس‌کننده دیدگاه نظم جهانی چندقطبی است که در روسیه شکل گرفته است. به‌عنوان مثال، این استراتژی بیان می‌کند که جهان مدرن در حال دگرگونی است، تعداد مراکز جدید سیاسی و اقتصادی در حال افزایش است و تقویت مواضع رهبران جدید جهانی و منطقه‌ای باعث تسریع تغییر در نظم جهانی می‌شود و منجر به شکل‌گیری یک ساختار نو، معماری، قوانین و اصول جدید نظم جهانی می‌شود (Bilanishvili, 2021) و از طرفی اهمیت قدرت نظامی به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف بازیگران روابط بین‌المللی در حال افزایش یافتن است. بر اساس آنچه در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۱ مطرح شده است، گرچه شکل‌گیری نظام بین‌المللی نوین از نگاه روس‌ها چالش‌های زیادی را ایجاد می‌کند، ولی درعین‌حال، از نگاه آن‌ها، این نظام جدید، فرصت‌هایی را نیز به همراه دارد، از جمله اینکه از ویژگی تک‌قطبی و غرب‌الگری غالب در دهه‌های گذشته بوده، دور خواهد شد National Security Strategy of the Russian Federation, 2021).

**راهبرد بزرگ قدرت‌گرایی:** قدرت‌های بزرگ در راستای امنیت و منافع خود با حداکثر توان و قدرت مانع از حضور قدرت‌های بزرگ دیگر در منطقه تحت تسلط خود می‌گردند (Stewart, et al, 2012,6-7). از طرفی، اگر در یک منطقه دولتی از لحاظ منابع و مقدرات و توانایی‌ها هم‌زمن باشد این موضوع به‌طور نسبی منجر به افزایش توانمندی آن و درعین‌حال افزایش هزینه نمایش قدرت و بازایران فرامنطقه‌ای درون منطقه می‌شود (Stewart, et al, 2012:55) لذا باید توجه نمود که فدراسیون روسیه به‌عنوان وارث اتحاد جماهیر شوروی نداشتن جایگاهی درخور موقعیت گذشته خود در ساختار نظام بین‌الملل را غیرقابل‌قبول می‌داند. بر این اساس، در دوران پسا شوروی و در سلسله‌مراتب قدرت نظام بین‌الملل پس‌جنگ سرد، مهم‌ترین هدف استراتژی فدراسیون روسیه، بازنمایی خویش همچون یک موجودیت تاریخی، شناخته و ادراک شده است. از دیدگاه رهبران روسیه، شناسایی

جایگاه و موقعیت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و اثرگذار در مدیریت بحران‌های جهانی در سیاست بین‌الملل بسیار مهم و حیاتی است (Renshon, 2017: 3).

در حقیقت قید وصفی بزرگ، بر پیش‌زمینه‌های تاریخی، توانمندی روسیه در اعمال نفوذ بر مسائل جهانی و عدم امکان نادیده گرفتن منافع راهبردی آن از سوی جامعه جهانی تأکید دارد که همواره در معادلات جهانی اثرگذار بوده و خواهد بود. حضور در جنگ‌های جهانی اول و دوم و شکست نازیسم برای روسیه یک عقبه تاریخی مهم قلمداد می‌گردد که روس‌ها ضمن تأکید مستمر بر آن، نادیده گرفتن روسیه را از معادلات و ساختار قدرت جهانی غیرممکن می‌دانند. حس بزرگی باعث گردیده که روسیه قلمرو حکومتی خویش را فراتر از مرزهای ملی و سنتی خود بداند و این مسئله از عوامل ایجاد کنش‌های تهاجمی در سیاست خارجی این کشور بوده است. اندیشه بزرگ قدرت‌گرایی همیشه یک تأثیر مستمر بر ذهنیت سیاست‌گذاران خارجی این کشور داشته است. در واقع سرزمین و قلمرو، عنصر اصلی و محوری در عظمت و بزرگی روسیه است که باعث ایجاد احساس امنیت، عظمت و بزرگی گردیده است. این در حالی است که غرب با گسترش و توسعه ناتو و اتحادیه اروپا به سمت حوزه‌های نفوذ این کشور، نه تنها منافع این کشور را تهدید نموده، بلکه هویت تمدنی و بزرگ بودگی آن را نیز به چالش کشد است (نوروزی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۸-۱۲۶). روس‌ها معتقد به اداره سیستم بین‌الملل توسط قدرت‌های بزرگ هستند که بر اساس آن، هر کدام از این قدرت‌ها نباید در امور داخلی، حوزه‌های نفوذ و یا علیه منافع حیاتی و اساسی دیگری دخالت نمایند (Stronski, 2021).

**نهادسازی روس محور در منطقه اوراسیا مرکزی:** اوراسیاگرایی<sup>۱</sup> ضمن تأکید بر خاص‌گرایی هویتی متمایز از هویت غرب، موضع مستقل در عرصه نظام بین‌الملل و تأکید بر ژئواکونومی، ژئوپلیتیک و ژئوکالچر متفاوت به عنوان نقطه اتصال و تلاقی اروپا و آسیا، طی چند سال اخیر تأثیری عمیق برای راهبردها و سیاست‌های کرملین<sup>۲</sup> داشته است (Mileski, 2015: 179).

برای فهم نسبت میان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی فدراسیون روسیه، باید به عنصر هویت و تأثیر آن بر نگاه روسیه به خود و دیگری و دنیای خارج از مرزهای ملی آن توجه نمود. از طرفی؛ عنصر هویت همچون یک پل ارتباطی است که ژئوپلیتیک را وارد سیاست خارجی و امنیتی روسیه می‌نماید. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه از مرزهای جغرافیایی ابرقدرتی پیشین عقب رانده شده است، اما این به معنای عقب‌نشینی از

<sup>۱</sup>. Eurasianism

<sup>۲</sup>. Kremlin

فضای ژئوپلیتیکی و جغرافیایی اوراسیایی نیست، بلکه روسیه کدهای رفتاری و ژئوپلیتیکی، سیاست خارجی و امنیتی خود را بر حوزه اوراسیا متمرکز نموده و سازمان‌دهی سیاسی فضا در این منطقه را به‌گونه‌ای پیش برده که در راستای کسب و حفظ حضور سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود در این منطقه باشد (زارعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

در دوره پسا شوروی، فدراسیون روسیه در پی تثبیت موقعیت، نقش برتر و محوری خود از طریق ایجاد ساختار و ترتیبات منطقه‌ای در جهت همگرایی میان جمهوری‌های جدیدالتأسیس بوده است. بر این مبنای سازمان‌دهی سیاسی فضای پسا شوروی در قالب ترتیبات منطقه‌ای همچون جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، پیمان امنیت دسته‌جمعی و تا حدودی سازمان همکاری شانگهای انعکاس تصور تهدید روسیه نسبت به سیاست‌های مبتنی بر نفوذ غرب در منطقه با هدف کاهش نفوذ و اقتدار روسیه است (Mileski, 2015: 182).

مؤلفه‌هایی همچون حفظ امنیت و صلح منطقه‌ای و بین‌المللی، علایق ژئوپلیتیک، اهداف و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی، تأمین حقوق اقلیت‌های روس تبار، افراط‌گرایی اسلامی و هراس از انتقال موج‌های ناامنی به درون حلقه‌های امنیتی فدراسیون روسیه در اوراسیای مرکزی و در نهایت جلوگیری از نفوذ فزاینده قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای به حوزه اوراسیا، در روی آوردن روسیه به نهادسازی و نهادگرایی روس‌محور تأثیر بسزایی داشته است (Nikitin, 2011). در دوران ولادیمیر پوتین، روسیه بیشترین تلاش را برای نهادسازی منطقه‌ای انجام داده است (عطایی و شجاعی، ۱۳۸۹: ۶۴).

مسکو معتقد است که همگرایی منطقه‌ای در راستای تقابل با نفوذ اقتصادی بازیگران فرامنطقه‌ای و نیروی سوم و نیز ممانعت از ایجاد گسست میان پیوند کشورهای تازه استقلال یافته و روسیه، باید نفوذ و حضور قدرتمند اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور در این حوزه، مخصوصاً در زمینه انرژی و ژئوپلی نومی<sup>۱</sup> را تضمین نماید و این مسئله به‌لحاظ تصویرسازی ژئوپلیتیک برای این کشور مهم است. تحقق چنین هدفی، نشان‌دهنده این خواهد بود که روسیه همچنان نقطه کانونی توجه کشورهای مشترک‌المنافع است و در عین حال ظرفیت و توانایی سازمان‌دهی سیاسی فضا و کنش‌های ابتکاری مؤثر و موفق در ژئوپلیتیک پسا شوروی را دارد (Lane, 2014: 3-8). یکی از این ابتکارات با محوریت روسیه، «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی» است که باید آن را گامی دیگر از استراتژی منطقه‌ای ولادیمیر پوتین در زمینه اقتصاد سیاسی محسوب کرد (Wisniewska, 2013: 28-34). دیگر

<sup>۱</sup>. geopolinomy

موارد نهادسازی روس محور در حوزه اوراسیا می‌توان به سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی و سازمان کشورهای مستقل هم‌سود و سازمان شانگهای اشاره نمود.

**اقتصادی کردن سیاست خارجی:** باید دقت نمود که روسیه به سیاست امپریالیستی گذشته خود بازخواهد گشت، بلکه در حوزه منافع ملی غالب خود تلاش دارد با ابزارهای اقتصادی در راستای تقویت نفوذ خود عمل نماید. روسیه در عرصه سیاست خارجی اساساً درصدد بهره‌برداری از ابزار انرژی و اقتصاد و همچنین سیاست خارجی برای کسب و توسعه قدرت و ثروت است و در محیط راهبردی خود، سیاست خارجی اتکای صرف به منافع ملی را تعقیب نموده است (Blank, 2012). ادراک و فهم پوتین از سیاست خارجی بر اساس عمل‌گرایی واقع‌گرایانه، کسب و افزایش قدرت و امنیت اقتصادی و اولویت منافع ملی است. بر این اساس، در سیاست خارجی دوره پوتین، مفهوم «اقتصادی کردن سیاست خارجی»<sup>۱</sup> با هدف رشد و ارتقاء امنیت اقتصادی را می‌توان به کار برد (Wu, 2009: 122-123). به عبارت دیگر، در فدراسیون روسیه در شرایط جدید، عامل اقتصاد بیش از هر عامل دیگر در اولویت است. پوتین در بخش رشد اقتصادی در سند امنیت ملی 2015 صریحاً و با تأکید این مصالح را مطرح می‌نماید که از اهداف راهبردی روسیه در راستای تأمین امنیت خود، رشد و توسعه اقتصاد ملی، امنیت اقتصادی، گذار اقتصاد به سطح نوینی از توسعه و پیشرفت فناوری و قرارگیری در زمره کشورهای موفق و پیش‌رو از نظر تولید ناخالص داخلی است (رسولی ثانی آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۴). در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۱ نیز با تأکید بر امنیت اقتصادی، راهکارهای مختلفی مطرح شده و بر تقویت حاکمیت اقتصادی روسیه از طریق توسعه زیرساخت‌های ملی و بازارهای ملی، کاهش وابستگی به دلار از طریق سازوکارهای ملی و بین‌المللی، از جمله از طریق همکاری با کشورهای شریک روسیه، قاعدتاً چین، افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد، کاهش وابستگی به انرژی، تقویت صادرات و متنوع‌سازی آن و مباحث مربوط به توسعه علم و فناوری تأکید شده است. در این سند همچنین اشاره گردیده که در تحول نظام بین‌المللی و در این مرحله گذار، قدرت اقتصادی در انحصار غرب نیست و بلکه مراکز اقتصادی جدیدی ظهور پیدا کرده‌اند و افزایش این مراکز قدرت و همچنین بحران در الگوی لیبرال غربی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باعث خواهد شد که نظام مالی و پولی هم به تدریج تغییر کند و در این تحول، دلار نیز قاعدتاً نباید جایگاه سابق خود را داشته باشد (National Security Strategy of the Russian Federation, 2021).

<sup>۱</sup>. Economization of Foreign Policy

در زمینه امنیت اقتصادی، گذار از صادرات مواد خام (منابع انرژی) و محصولات کشاورزی به صنایع جدید با فناوری پیشرفته و ورود به این بازارها، نوسازی فناوری بخش‌های اساسی اقتصاد و استفاده از فناوری‌های کم‌کربن مدنظر خواهد بود که منجر به تغییر در ساختار اقتصاد روسیه و تضمین رقابت و پایداری می‌شود. برای غلبه بر وابستگی‌های بحرانی اقتصاد روسیه، توسعه فناوری ملی و روی آوردن به تولید داخلی مهم است. علاوه بر این، توسعه باید در زمینه‌های پیشرو مانند هوانوردی، کشتی‌سازی، صنایع موشکی و فضایی، ساخت موتور، مجتمع‌های انرژی هسته‌ای که جایگاه مهمی در اقتصاد روسیه دارند، ادامه یابد (Sapmaz, 2022).

از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌تر عنوان گردید، حذف وابستگی زیرساخت‌های مالی از جمله زیرساخت‌های پرداخت به کشورهای ثالث، استفاده از ارزهای ملی در تجارت بین‌الملل و کاهش استفاده از دلار آمریکا در فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی از جمله مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال، افزایش کنترل بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های استراتژیک مهم در اقتصاد روسیه، با اهمیت تلقی شده است (Sapmaz, 2022).

سیاست نگاه به شرق و همکاری با کشورهای مستقل از غرب: برژینسکی<sup>۱</sup> معتقد است سیاست نگاه به شرق از دیدگاه جغرافیای سیاسی می‌تواند ضمن افزایش درک فدراسیون روسیه از مناطق حساس قاره آسیا، در احیای تفکر اوراسیایی و قدرت مجدد این کشور نقش بسزایی داشته باشد (اشرافی و بابا زاده جودی، ۱۳۹۴: ۵۱).

فدراسیون روسیه به‌رغم عدم وجود هرگونه اشتراک فرهنگی با اکثر کشورهای جهان، اجازه نداده است که روابط عمل‌گرایانه‌اش با طیف وسیعی از «کشورهای غیرغربی» تحت تأثیر این مسئله واقع گردد. رشد تدریجی تضادهای روسیه با محور غرب، مفصل‌بندی ایده «چرخش به شرق» را تسریع نموده است. در واقع، بحران کنونی در روابط روسیه و غرب ضمن برگشت‌ناپذیر بودن روابط، باعث افزایش تعداد و کیفیت روابط روسیه با کشورهای خارج از کنترل ایالات متحده شده است. «سونامی تحریم‌ها» و بن‌بست در روابط با غرب، مخصوصاً تحت تأثیر جنگ اوکراین، به محرکی بسیار شدید برای تغییرات طولانی‌مدت در رفتار و روابط فدراسیون روسیه تبدیل شده است (Timofeev, 2023). توسعه روابط روسیه با جهان غیرغربی چند پیامد مشخص را در پی دارد:

<sup>۱</sup>. Brzezinski

نخست؛ تشکیل مراکز قدرت نسبتاً مستقل از ایالات متحده و متحدانش با درجه بالایی از عاملیت سیاسی که به‌رغم برخی تناقضات سیاسی؛ عامل استقلال این بازیگران در اتخاذ تصمیمات محوری در حوزه امنیت و توسعه، ویژگی اساسی متحد کننده آن‌ها است، دوم؛ ایجاد فرصت‌های قابل اعتماد برای نوسازی و توسعه از طریق تعامل با جهان غیرغربی، سوم؛ تأمین امنیت روسیه در مقابل بلوک غرب (Timofeev, 2023).

در بحث ثبات راهبردی و همکاری مؤثر بین‌المللی در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۱ تأکید شده که روسیه باید سیاست خارجی یکپارچه، مستقل و چند سویه اتخاذ کند که در آن توجه به قدرت‌های شرقی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این سند به اهمیت چین، هند و دیگر کشورها در قالب نهادهایی مانند بریکس و سازمان شانگهای و نیز در حوزه مسائل دوجانبه اشاره شده است (National Security Strategy of the Russian Federation, 2021) در واقع، فدراسیون روسیه، مشارکت و همکاری راهبردی با چین و هند و نیز ایجاد سازوکارهای قابل اعتماد در منطقه آسیا-اقیانوسیه برای حمایت از ثبات و امنیت منطقه‌ای به‌صورت غیر بلوکی را در دستور کار خود قرار داده است (National Security Strategy of the Russian Federation, 2015).

مقابله با تروریسم و بنیادگرایی: افراط‌گرایی اسلامی و روابط آن با افغانستان، پاکستان و منطقه خاورمیانه، تبدیل به یک چالش و تهدید جدی برای امنیت ملی روسیه گردیده است (Vatchagaev, 2013). به عبارتی، اهداف و راهبرد روسیه در ارتباط با افغانستان، بیشتر در بستر سیاست‌های امنیتی این کشور قابل درک است. براساس آنچه از اسناد راهبرد امنیت ملی روسیه و نیز پایش رویکردهای این کشور در قبال افغانستان قابل فهم است، مسکو تهدیدهایی از جمله گسترش تروریسم و افراط‌گرایی، فعالیت گروه‌های بنیادگرا، مهاجرت غیرقانونی به فدراسیون روسیه و قاچاق مواد مخدر مهم‌ترین تهدیدات با منشأ افغانستان هستند (جهان‌بخش، ۱۳۹۳: ۸۶). از سوی دیگر، سیاست روسیه در افغانستان با منافع این کشور در آسیای مرکزی ارتباط نزدیک دارد (Umarov, 2022: 147). لذا، سیاست مسکو در قبال افغانستان سه هدف اصلی را دنبال می‌کند:

اول، بی‌ثباتی کنونی در افغانستان نباید فراتر از مرزهای آن به آسیای مرکزی گسترش یابد. این مسئله هم به خصومت‌ها و هم به فرار و مهاجرت مربوط می‌شود. خطر بی‌ثباتی جمهوری‌های آسیای مرکزی نگران‌کننده است. وضعیت کنونی همچنین به مسکو فرصتی برای تحکیم موقعیت خود به‌عنوان یک ضامن امنیتی در منطقه می‌دهد، چراکه حضور

مجدد غرب در آسیای مرکزی برای تثبیت محیط اطراف افغانستان به صراحت در مسکو رد شده است. ثانیاً، باید از بازیابی جای پا توسط گروه‌های تروریستی فراملیتی مانند داعش یا القاعده در افغانستان و انجام عملیات از آنجا در آسیای مرکزی یا روسیه جلوگیری گردد. مهار قاچاق مواد مخدر که منشأ آن افغانستان یا ترانزیت آن کشور است، سومین هدف سیاست روسیه است (Fischer and Stanzel, 2021:3)؛ بنابراین می‌توان مدعی شد که نگاه روسیه به افغانستان و آسیای مرکزی ماهیتاً امنیتی بوده اما در شرایط کنونی که روسیه درگیر جنگ در اوکراین و برخی رقابت‌های فرامنطقه‌ای با آمریکا است، ممکن است واجد ابعاد استراتژیک و نظامی نیز باشد.

وجود نیروهای جدایی‌طلب و افراطی به‌عنوان یک خطر بالقوه و تهدیدات ناشی از آن، روسیه را برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی مصمم نموده است، به‌نحوی که نخبگان روس معتقدند که مهم‌ترین هدف روسیه از ورود به جنگ سوریه مقابله با تروریسم و بنیادگرایی بوده است (Werning Rivera, 2016: 2)، چراکه سرایت و گسترش اسلام بنیادگرایانه به حوزه‌های نفوذ و حلقه‌های امنیتی روسیه، در زمره نگرانی‌ها و تهدیدات امنیتی و نقطه آسیب‌پذیری امنیتی این کشور است. مجاورت خاورمیانه و مرزهای جنوبی فدراسیون روسیه موجب گردیده که خاورمیانه نقطه آسیب‌پذیر برای منافع و امنیت روسیه قلمداد گردد. نگرانی از استقرار یک دولت اسلامی افراطی و بنیادگرا در سوریه و تهدید ثبات مناطق مسلمان‌نشین این کشور، یکی از عوامل اصلی و پیش‌ران ورود این بازیگر به جنگ سوریه بوده است (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۷۹). در دوره پسا شوروی با سیطره مجدد گفتمان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی فدراسیون روسیه، این موضوع مبدل به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی روسیه گردید که در این راستا با تکیه بر یک ژئوپلیتیک منفعت‌بنیان، برای صیانت از امنیت ملی خود، سه حلقه امنیتی تعریف نموده است؛ حلقه نخست روسیه، حلقه دوم، جمهوری‌های خودمختار وابسته و حلقه سوم منطقه خارج نزدیک است که در زمره حیات خلوت خود تعریف کرده است (احمدی و شیراوند، ۱۳۹۷: ۲). سه کشور ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان، بخشی از حیات خلوت روسیه هستند که با افغانستان مرز مشترک طولانی داشته و در مناطق مرزی مشترک با افغانستان دارای امتداد قومی هستند. این وضعیت، همسایگان سه‌گانه شمالی افغانستان را مستعد سرریز تهدیدهایی چون تروریسم، قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی و ناامنی‌های این کشور نموده و از

این طریق تهدیدها می‌تواند به روسیه تسری یابد. تهدیدهای پیش‌گفته از خلال این هم‌رسانی می‌تواند منافع سیاسی و امنیتی روسیه را تهدید نماید (Stepanova., 2022).

### نتیجه‌گیری

سیاست خارجی بسته به اینکه در چه کشوری است و چه ضروریات اجتناب‌ناپذیری دارد، می‌تواند دارای مؤلفه‌های گوناگونی باشد و بر همان اساس تدوین گردد. در این مقاله با اتکا به نظریه امنیتی ساختن و مفهوم امنیت مکتب کپنهاگ، در پی یافتن پاسخی برای چرایی اتخاذ استراتژی عمل‌گرایی واقع‌گرایانه فدراسیون روسیه در دوران پوتین، کدهای رفتاری و سیاست خارجی متأثر از آن برآمدیم. در فرضیه مقاله، مهم‌ترین عامل اتخاذ این استراتژی، شکنندگی امنیت ملی فدراسیون روسیه در نظر گرفته شد که معلول تهدیدهای امنیتی در دو سطح داخلی و خارجی و با اثرگذاری در مقیاس‌های داخلی (فروملی و ملی)، منطقه‌ای و سیستمی است که منافع روسیه را هدف خود قرار می‌دهد. با بررسی اسناد راهبرد امنیت ملی روسیه در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱، به صورتی محسوس، نوع نگاه فدراسیون روسیه از حالتی مضیق و محدود به تهدیدات امنیتی، به حالتی موسع و متنوع‌تر تغییر یافته و تهدیدات امنیتی در افق دید رهبران فدراسیون روسیه با محوریت ولادیمیر پوتین، از گستره بیشتر و متنوع‌تری برخوردار شده است که در روند منطقی مقاله تلاش گردیده با بررسی اسناد راهبرد امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱، این تهدیدها استنباط و مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

باید توجه داشت که راهبرد امنیت ملی کشورها، بر اساس تصویری ترسیم می‌گردد که در هر دوره محیط بین‌المللی، نزد دولت‌مردان و تصمیم‌گیران آن‌ها وجود دارد. بر این اساس محیط بین‌الملل در هر دوره تصویر متفاوتی ارائه می‌نماید و متناسب با آن تصویر است که استراتژی دولت‌ها نیز تغییر می‌نماید. لذا با تغییر محیط بین‌الملل در شرایط پساجنگ سرد، استراتژی امنیتی روسیه نیز در دوران پوتین دچار تغییر و تحول گردید. در واقع، مجموعه داده‌های بهره‌برداری شده و یافته‌های متن‌نشان‌دهنده این است که براساس ادراکات و ذهنیتی که امروزه دولتمردان روس از هویت دارند، محیط جغرافیایی و فرهنگی کشور روسیه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی و در ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری با چالش‌های اساسی از سوی رقبا روبرو شده و آمریکا و متحدان آن، موجودیت، هویت و فرهنگ روسیه را با تهدیدات متنوعی روبرو نموده است. به همین علت، تحت تأثیر اراده و



تصمیم رهبران روسیه، مخصوصاً ولادیمیر پوتین، روس‌ها بسیاری از موضوعات و مسائل سیاست داخلی و خارجی خود را از حالت عادی خارج و امنیتی نموده‌اند. درعین حال، با ارتباط دادن این امور امنیتی شده به منافع ملی و عمومی جامعه، توانایی تصمیم‌گیران روس و در رأس آن‌ها پوتین، برای باورپذیر نمودن و قبولاندن وجود تهدیدات مختلف علیه موجودیت و منافع جامعه روسیه افزایش یافته است. در حقیقت این مسئله رمز موفقیت پوتین در تحقق سیاست امنیتی ساختن بسیاری از مسائل داخلی و خارجی است که با اختصاص منابع ویژه، امور و مسائل امنیتی را در اسناد راهبرد امنیت ملی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ را در اولویت مطلق خود قرار داده است. البته پیشران مهم این مسئله نیز این فرض است که طرف مقابل، یعنی غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا، دیگر به روسیه ادامه موجودیت و بقاء به‌عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی را نخواهد داد. نکته مهم آن که پوتین در امنیتی ساختن امور از شکل نهادینه‌شده و پیشرفته امنیتی‌سازی همیشه بهره می‌گیرد و از موضوع یا پدیده موردنظر برای امنیتی شدن، همواره به‌صورت دفاعی سخن می‌گوید که از این طریق ترس و هراس بنیادین به مخاطب در جامعه روس به‌خوبی القا می‌گردد.

بر این اساس، در دوران پوتین، فدراسیون روسیه با حس شکنندگی امنیت ملی خود، با رویکردی کپنه‌گایی به مفهوم امنیت؛ یعنی رویکردی موسع، بسیاری از موضوعات (سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) را با بینش امنیتی نگریسته و برای آن راه‌حل لازم را نیز بر همین اساس برنامه‌ریزی و طراحی نموده است. البته این مسائل نشان‌دهنده تزلزل‌پذیری امنیت این کشور در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و سیستمی است.

بنابراین در پاسخ به این تهدیدات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، کدهایی در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفته است که بتواند به‌صورت بیشینه تهدیدهای موجود را مهار نماید. روس‌ها امیدوارند با اتخاذ این کدها، گستره تهدیدهای متوجه امنیت فیزیکی، هستی‌شناختی و منافع خود را کاهش دهند. اینکه این روش تا چه حد می‌تواند ثمربخش باشد، قابل بحث است و نیازمند مطالعات بیشتری است. مع‌الوصف، در سایه تحولات جدید، افکار عمومی ملت‌ها و گسترش و توسعه آگاهی‌های سیاسی در جهان؛ رهبران روسیه برای تضمین و ثبات اجتماعی - سیاسی و در پی آن امنیت هستی‌شناختی، حفظ بقاء، تمامیت ارضی کشور و ارتقاء جایگاه آن و نیز با توجه به برداشت تهدید و ذهنیتی که نسبت به تحولات ساختار نظام بین‌الملل دارند و با نظر داشت به آنچه در خصوص تهدیدات امنیتی و احساسات و

بازخوردهای ناشی از وجود این تهدیدات متنوع مورد بحث و بررسی قرار گرفت، کدهای رفتاریِ حداکثریِ عمل‌گرا با ماهیتی هجومی و واقع‌گرایانه را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

## منابع و مآخذ

### فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- باری بوزان (۱۳۷۹)، «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره سوم.
- زارعی، بهادر، کولایی، الهه، پیشگاهی فرد، زهرا، اسدی کیا، بهناز (۱۳۹۸)، «تبیین تفکر ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی روسیه»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۱۵، شماره ۴، زمستان.
- درآینده، روح‌الله، احمدی، حمید (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان.
- سجادپور، محمدکاظم، جهانبخش، محمدتقی (۱۳۹۳)، «تأثیر عنصر مخدر افغان بر امنیت فدراسیون روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۸، زمستان.
- نوروزی، پژمان، هلالات، عماد، مقومی، امیررضا (۱۴۰۱)، «واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت هستی‌شناختی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال بیست و هشتم، شماره ۱۲۰، زمستان.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، عطار، سعید، فارسی، فاطمه (۱۳۹۸)، «بررسی سیاست خارجی روسیه بر اساس نظریه سیاست قدرت‌های بزرگ مرشایمر (۲۰۱۸-۲۰۱۲)»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان.
- احمدی، عباس و شیرواند، صارم (۱۳۹۶)، «فدراسیون روسیه و نهادگرایی روس محور در منطقه آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۷، پاییز.
- زهرانی، مصطفی و شیرواند، صارم (۱۳۹۶)، «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک بر سیاست خارجی فدراسیون روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۷، بهار.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و شیرواند، صارم (۱۳۹۶)، «تأثیر تحولات ژئوپلیتیک اوکراین بر امنیت فدراسیون روسیه از منظر ژئوپلیتیک انتقادی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۹، پاییز.
- عطایی، فرهاد و محمدکاظم شجاعی (۱۳۸۹)، «جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات ایران و اوراسیا*، سال پنجم، شماره ششم، بهار و تابستان.

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲). *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.

کرمی کریمی مله، علی، بابایی، اکبر، امیرخانی، کاوه (۱۳۸۹)، «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۳، ۱۰۹-۸۳.

کرمی، جهانگیر و جهانبخش، محمدتقی (۱۳۹۳)، «جایگاه افغانستان در سیاست امنیتی فدراسیون روسیه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، شماره دوم، تابستان.

کولایی، الهه و علیرضا نوری (۱۳۸۹)، «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان.

-مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۲) «موازنه راهبردی و سیاست‌گذاری امنیتی روسیه در نظام بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان.

-نصری، قدیر. (۱۳۹۰). «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره ۴.

نادسن، اولاف. (۱۳۸۶) «مطالعات امنیتی پساکنینهاگی: غیرامنیتی کردن امنیتی کردن»، ترجمه اصغر صارمی شهاب، *فصلنامه امنیت*، سال پنجم، شماره ۳.

## لاتین

Buzan, Barry. (2006). Available at: [http://www.Ise.ac.UK/People/Cantor, Louis j & Spiegel, L. 1974. \*The International Politics of regims a comparative approach\*, New York, prentice hall.](http://www.Ise.ac.UK/People/Cantor,Louis%20j%20&%20Spiegel,L.1974.The%20International%20Politics%20of%20regims%20a%20comparative%20approach)

Blank, Stephen (2012), "The Sacred Maonster: Russia as a Foreign Policy Actor", in; Stephen, Blank (ed.), *Perspectives on Russian Foreign Policy*, StrategicStudies Institute, September. Available at: [www.StrategicStudiesInstitute.army.mil](http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil).

Balzacq, Thierry (2005), "Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context", *European Journal of International Relation*, Vol. 11, No. 2.

Bennetts Marc (2014), "No Clean Needles for Russian Addicts – Drug Official", *RIA Novosti*, 13 April 2012, Available from <http://en.ria.ru/russia/20120413/172807019.html>, Accessed on 1 October 2022.

European Parliament (2019), "The End of the INF Treaty, A Pillar of European Security Architecture at Risk", February 4, Available at: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/633175/EPRS\\_BRI\(2019\)633175\\_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2019/633175/EPRS_BRI(2019)633175_EN.pdf), Accessed on: October 25, 2022

Gotz, Elias and Merlen, Camille-Renaud (2018), "Russia and Question of World Order", *European Politics and Society*, pp 1-21.

Frolovoskiy, Dimitry (2019), "What Does Putin Really Want in Syria?", Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/02/01/what-putin-really-wants-in-syria-russia-assad-strategy-kremlin/>, Accessed on: 1 February 2022.

Hammerstein, david (2017), "NATO's senior military officer: Russia threat growing on all fronts", Available at: <https://www.politico.eu/article/nato-general-petr-pavel-senior-military-officer-russia-threat-growing-on-all-fronts>. Accessed on: 12 October 2022.

- Hauer, Neil (2018), "Vladimir Putin's Mission Accomplished' Moment", Available at: <http://foreignpolicy.com/2018/02/06/vladimir-putins-missionaccomplishedmoment>. Accessed on: 15 October 2022.
- Jonavicius, Laurynas; Delcour, Laure; Dragneva, Rilka and Wolczuk (2019), "Russian Interests, Strategies, and Instruments in the Common Neighbourhood", *EU-START*, March, Available at: <http://eu-strat.eu/wpcontent/uploads/2019/03/EU-STRAT-Working-Paper-No.-16.pdf>, Accessed on: October 30, 2022.
- Kortunov, Sergei (2005), "Invigorating Russia's Foreign Policy", *Russia in Global Affairs*, Available form: <http://www.end.globalaffaies.ru>, Accessed on 17 September 2022.
- Kortunov, A Ndrej V (2019), "Between Polycentrism and Bipolarity, Russia in Global Affairs", Available at: <https://eng.globalaffairs.ru/number/Between-Polycentrism-and-Bipolarity-19988>, Accessed on 1 November 2022.
- Lane, D. (2014), "Eurasian Integration: A Viable New Regionalism", *Russian Analytical Digest*, No 146.
- Mukomel, Vladimir (2013), "Combating Human Trafficking: The Russian Federation", *CARIM EAST – Consortium for Research on International Migration*, CARIM-East Explanatory Note 13/30.
- Mileski, T (2015), "Identifying the New Eurasian Orientation in Modern Russian Geopolitical thought", *Eastern Journal of European Studies*, Vol. 6, No.2.
- Mearsheimer, John. (2007), "Structural Realism", in *T. Dunne, M. Kuroki and S. Smith (ed.), International Relations Theories*, Oxford University Press.
- Nikitin, Alexander (2011), "*The CSTO: New Regional Security Patterns and Prospects for Reforming Regional Peacekeeping*", Centre for European Security Studies (CESS).
- Schmitz, Andrea and Alexander Wolters (2017), "Political Protest in Central Asia: Potentials and Dynamics", *SWP Research Paper*, 2017/ RP (2017).
- Stewart, Ingersoll, Robert; Frazierm Derrick (26 Jun 2012), *Regional Powers and Security Orders: A Theoretical Framework*, New York, Routledge Global Security Studie.
- President of the Russian Federation (2015), Russian National Security Strategy 2016, Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/51129>.
- Périer, Jean (2017), "NEO – How Come Central Asian States Have Become a Breeding Ground for Terrorism", Available at: <http://www.veteranstoday.com/2017/0e-central-asian-states-have-become-abreeding-ground-for-terrorism>. Accessed on: 20 October 2019.
- Rivera, P. P. and Garashchuk, A (2016), "The Eurasian Economic Union: Prospective Regional Integration in the Post-Soviet Space or Just Geopolitical Project?", *Eastern Journal of European Studies* 7(2): 91-110.
- Ruff, Abdul (2018), "Outcomes of the Sochi Conclave on Syria", Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2018/02/28/outcomes-sochi-conclave-syria>. Accessed on: 27 October 2022.
- Renshon, Jonathan (2017), *Fighting for Status: Hierarchy and Conflict in World Politics*, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Wisniewska, Iowan (2013), "Eurasian Integration: Russian Attempt at the Economic Unification the Post-Soviet Area", *OSW Studies*, Center for Eastern Studies, No. 44.
- Wu, Yu (2009), "Russia's Foreign Policy Surge: Causes and Implications", *Issues & Studies* 45, No.1, March.
- Woolf, Amy, F (2019), "US Withdrawal from the INF Treaty", *CRS*, February 1, Available at: <https://fas.org/spp/crs/nuke/IN10985.pdf>, Accessed on: February 6, 2019.

- Saghal, Aron. (April 1, 2023), Through Ukraine, US is pursuing unilateralism, *Sunday Guardian*, Available at: <https://sundayguardianlive.com/about-us>.
- Biden, Joseph. R.(2014). Remarks by the Vice President at the John F. Kennedy Forum, Harvard University. Harvard Kennedy School, Boston, Massachusetts. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/10/03/remarks-vice-president-john-f-kennedy-forum>.
- Biden, Joseph.R. (2020). Why America Must Lead Again. Rescuing U.S. Foreign Policy After Trump, *In Foreign Affairs Magazine*, 2020. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-01-23/why-america-must-leadagain>, checked on 2/6/2023.
- O'Rourke, Ronald. (2021). U.S. Role in the World: Background and Issues for Congress, *Congressional Research Service (CRS)*. R44891 Version69. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/row/R44891.pdf>.
- Lemarchal, Ombeline.(2020), Tackling the Illicit Drug Trade: Perspectives From Russia, The Russian International Affairs Council (RIAC), September, Available at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/columns/eurasian-policy/tackling-the-illicit-drug-trade-per>
- Timofeev, Ivan. (2023), Can Russia Really Break Away from the West? The Russian International Affairs Council (RIAC), April, Available at: <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/can-russia-really-break-away-from-the-west>.
- National Security Strategy of the Russian Federation (2021)“, [https://www.academia.edu/49526773/National\\_Security\\_Strategy\\_of\\_the\\_Russian\\_Federation\\_2021](https://www.academia.edu/49526773/National_Security_Strategy_of_the_Russian_Federation_2021), (Access: 10.10.202۳).
- Bilanishvili, Giorgi, “On the New National Security Strategy of the Russian Federation“, *Georgian Foundation for Strategic and International Studies*, <https://www.gfsis.org/publications/view/3011>, (Access: 09.09.2021)
- Sapmaz, Ahmet(2022), The Russian Federation's National Security Strategy of 2021: THE INCREASING IMPORTANCE OF INTERNAL SECURITY, Turkish Asian Center for Strategic Studies(TASAM), <https://tasam.org/en/Kurumsal/Profile>.
- Meteev, Sergei (2016), “Migration as a Threat to National Security”, *Indian Journal of Science and Technology*, Vol 9(14).
- Mitzen, Jennifer. 2008. Ontological Security in World Politics: State Identity and The Security Dilemma, *European Journal of international Relations*, Vol.12, No 3.
- Rothschild, Emm. 1995. What is Security? *Dadalus*, Vol.124, No 3
- Pestova, Anna, Mamonov, Mikhail and Ongena, Steven (2022), “The price of war: Macroeconomic effects of the 2022 sanctions on Russia”, CHAPTER 11, In: Global Economic Consequences of the War in Ukraine, Sanctions, Supply Chains and Sustainability, Edited by Luis Garicano, Dominic Rohner and Beatrice Weder di Mauro, Centre for Economic Policy Research.London.
- Morozov, Viatcheslav(2015), “Material Dependency: Postcolonialism, Development and Russia’s ‘Backwardness’”. In: Russia’s Postcolonial Identity. Central and Eastern European Perspectives on International Relations. Palgrave Macmillan, London.
- Vinogradova, Marina V, Kulyamin. Jiga S, Koroleva. Victoriy C, Larionova. Anna A (2015),” The Impact of Migration Processes on the National Security System of Russia”, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol 6 No 3 S5.

